



JUNGLE'S
The Leader in Test Preparation

1100
واژه

GRE

ویژه داوطلبان GRE، کارشناسی ارشد، دکتران و
داوطلبان اعزام به خارج

ترجمه و تلفظ گذاری:
رضا دانشوری

Flashcards
180 cards
A quick and
easy way to build
your vocabulary for the GRE.

1100
WORDS FOR THE
GRE

BARRON'S

www.ZabanBook.com

زبان بوک



JUNGLE'S

The Leader in Test Preparation

11000

WORDS FOR THE

GRE

flashcards

180
cards

Transcribed by:
R. Daneshvari

Kashan Azad University Instructor

A quick and easy way to build your vocabulary
for the GRE

JUNGLE'S

The Leader in Test Preparation

۱۱۰۰۰

واژه

GRE

ویژه داوطلبان GRE، کارشناسی ارشد، دکترا و
داوطلبان اعزام به خارج

ترجمه و تلفظ‌گذاری:

رضا دانشوری

www.ZabanBook.com

زبان‌بوک

فهرست مطالب

مقدمه

۱۱۰۰ واژه‌ی «جی آر ای» ۱

ریشه‌شناسی واژگان انگلیسی ۳۱۹

معرفی سایر آثار مؤلف ۳۵۴

www.ZabanBook.com

زبان‌بوک

1

1100 Words for the GRE

Abase / ə'beɪs / خوار کردن، تحقیر کردن
v. humble, disgrace, demean, humiliate
 My intention was not to **abase** the comedian.
 هدف من تحقیر کم‌دین نبود.

Abate / ə'beɪt / کاهش دادن، تخفیف دادن، فروکش کردن
v. ebb, let up, moderate, relent, subside, wane
 As the hurricane's force **abated**, the winds dropped and the sea became calm.
 وقتی که نیروی توفان شدید فروکش کرد از شدت باده‌ها کاسته شد و دریا آرام گرفت.

Abdicate / 'æbdɪkeɪt / کناره‌گیری کردن از، دست کشیدن از
v. cede, relinquish, resign, quit, yield
 With the angry mob clamoring outside the palace, the king **abdicated** his throne and fled.
 پادشاه با توجه به جمعیت خشمگینی که بیرون از قصر داشتند فریاد می‌زدند، از تاج و تخت خود کناره‌گیری و فرار کرد.

Aberrant / æ'berənt / نابهنجار، منحرف، گمراه
adj. abnormal, anomalous, deviant, errant, divergent
 Since he had been a steady, cheerful worker for many years, his fellow postal workers did not expect his **aberrant** burst of rage.

3

1100 Words for the GRE

story so that it can be told in less than two hours.
 مؤلف در نظر دارد از رمانش فیلمی بسازد، اما مجبور خواهد بود قسمت‌های زیادی از داستان را خلاصه کند که بتوان آن را در کمتر از دو ساعت روایت کرد.

Abscond / əb'skɒnd / فرار کردن
v. leave secretly, decamp, escape, flee
 After **absconding** with the gem collection, the thief was never seen again.
 دزد بعد از فرار با مجموعه جواهرات، دیگر هرگز دیده نشد.

Abstain / əb'steɪn / پرهیز کردن از، خودداری کردن از
v. forbear, refrain, withhold
 Before the medical procedure, you must **abstain** from eating.
 قبل از روال دارویی باید از خوردن پرهیز کنید.

Abstemious / əb'sti:mɪəs / کم‌خرج، مقتصد، صرفه‌جو
adj. abstinent, continent, self-restraining, sober
 Because Alyce is a vegetarian, she was only able to eat an **abstemious** meal at the Texas Steakhouse.
 چون «آلیس» گیاه خوار است فقط می‌توانست یک غذای کم‌خرج در تگزاس استیک هاوس بخورد.

Abstract / 'æbstrækt / انتزاعی، خلاصه، جدا کردن
adj. not easily understood, intangible

Accelerate /æk'seləreɪt/ تسریع کردن، سریع شدن
v. speed up

The leader of the parade suddenly **accelerated** and the rest of us struggled to keep up.

سردسته‌ی رژه ناگهان سرعت گرفت و بقیه‌ی ما تلاش کردیم که به او برسیم.

Accolade /'ækələɪd/ درود و آفرین، تشویق
n. praise

The honoree was showered with great **accolades**.

درودهای فراوانی نثار عالی جناب شد.

Accretion /ə'kri:ʃn/ رشد و نمو، افزایش

n. growth, increase, accumulation, buildup
 The committee's strong fund-raising efforts resulted in an **accretion** in scholarship money.

اقدامات شدید کمیته برای افزایش بودجه به افزایش در پول بورس تحصیلی منجر شد.

Acerbic /ə'sɜ:bɪk/ ترش، بدخلق

adj. sour or bitter tasting, pertaining to a bitter temperament

Brandon is always ready with a joke, but sometimes his humor is so **acerbic** and cynical that it makes people uncomfortable.

This artist has such an **acute** sense of detail that some would mistake her paintings for photographs.

هنرمند از چنان حس دقیقی در مورد جزئیات برخوردار است که بعضی از افراد، نقاشی‌های او را با عکس اشتباه می‌گیرند.

Adaptation /ædæp'teɪʃn/ سازگاری و انطباق

n. change for a new situation
 Native Americans living in the Amazon have undergone an **adaptation** in recent years as modern technology has made its way into the jungle.

آمریکایی‌های بومی ساکن «آمازون»، در سال‌های اخیر که فن آوری جدید به جنگل راه پیدا کرده است، دستخوش سازگاری شده‌اند.

Adhere /əd'hɪə(r)/ چسبیدن، پیروی کردن

v. stick to something, give allegiance or support

Joey's mother unfortunately found that the sticky name tags not only **adhered** to cloth, but also to polished wood furniture.

متأسفانه، مادر «جوئی» متوجه شد که برچسب‌های چسبناک نه تنها به لباسش، بلکه به مبلی چوبی صیقلی هم چسبیدند.

Adherent /əd'hɪərənt/ پیرو، هوادار

n. supporter, fan, follower

Adulate /'ædjuleɪt/ مدح گفتن، ستودن

v. praise excessively

Mel was quick to **adulate** his mentor and friend Mr. Pipkin.

«مل» در ستایش مربی و دوستش آقای «پیپکین»، زیرک بود.

Adulterate /ə'dɒltəreɪt/

اضافه کردن، در تولید تقلب کردن

v. debase, doctor, load

The restaurateur made his ketchup last longer by **adulterating** it with water.

مدیر رستوران با اضافه کردن آب به سس هایش دوام آن را طولانی‌تر کرد.

Advocate /'ædvəkeɪt/

هواداری کردن از، جانب‌داری کردن از

v. back, champion, support

The vegetarian **advocated** a diet containing no meat.

گیاهخوار از رژیم غذایی بدون گوشت طرفداری کرد.

Aerie /'ɛəri/

آشیانه‌ی عقاب

n. perch, stronghold

Perched high among the trees, the eagle's **aerie** was filled with eggs.

آشیانه عقاب درختان درختان پر از تخم بود.

Aesthetic /i:θetɪk/ زیباشناسی، زیبایی‌شناختی، هنری

adj. artistic, tasteful

به نام او که جاودان است

مقدمه

مجموعه فلاش کارتهایی که پیشرو دارید چکیده‌ی متون برگرفته از کتاب معروف **واژگان ضروری جی آر ای** اثر «فیلیپ گی آر» می‌باشد. این کتاب یکی از پرطرفدارترین و محبوب‌ترین منابع واژگانی علاقمندان به آمادگی در آزمونهای دوره‌ی جی آر ای می‌باشد که مورد تأیید صاحب‌نظران آموزش زبان انگلیسی در سراسر دنیا واقع شده است.

نظر به استقبال خوانندگان محترم از سایر مجموعه فلاش کارتهای اینجانب که فهرست آنها در انتهای اثر آمده است، تصمیم بر آن شد که فلاش کارتهای معروف به این اثر نیز در اختیار خوانندگان عزیز قرار داده شود. در پایان لازم است از تمام عزیزانی که در گردآوری، تدوین، حروفچینی و سایر بخشهای این مجموعه حقیر را یاری نموده‌اند سپاسگزاری نمایم. در این خصوص بویژه از آقای سید امید ساداتی نژاد که زحمت ویرایش، پیرایش، حروفچینی و صفحه‌آرایی نه تنها این مجموعه که تمام آثار بنده را به عهده دارند نیز صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم. امید است مورد عنایت ابتدا خداوند و سپس خوانندگان عزیز واقع شود.

رضا دانشوری

عضو هیئت علمی و رئیس گروه زبان انگلیسی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان

از آن جایی که او سال‌ها یک کارگر منضبط و شاد بوده است همکاران او در اداره‌ی پست انتظار فوران نابهنجار خشم او را نداشتند.

Abeyance / ə'beɪəns /
تعلیق، وقفه
n. deferral, delay, dormancy, postponement
The baseball game was held in **abeyance** while it continued to rain.
وقتی بارش باران ادامه یافت بازی بیسبال به حالت تعلیق در آمد.

Abjure / ə'bdʒʊə(r) /
پشت کردن به، صرف نظر کردن از
v. reject, abandon, forswear, recall, recant, retract
The spy **abjured** his allegiance to the United States when he defected to Russia.
جاسوس وقتی به روسیه پناهنده شد، به وفاداری‌اش به ایالات متحده پشت کرد.

Abrade / ə'breɪd / *v.* rub away
سائیدن
Blowing sand had **abraded** the pyramid's surface, removing its once smooth covering.
وزش شن، با برداشتن روکش هرم که زمانی صاف بود، سطح آن را سائیده بود.

Abridge / ə'brɪdʒ /
تلخیص کردن، خلاصه کردن
v. condense, abbreviate
The author plans to make his novel into a film, but will have to **abridge** much of the

The poet's interpretation of his own life was nearly as **abstract** as his work.
تفسیر شاعر در مورد زندگی خودش، تقریباً به اندازه‌ی اثرش انتزاعی بود.

Abstruse / əb'stru:s /
مشکل، پیچیده
adj. hard to understand, cryptic, enigmatic
Rasputin was so **abstruse** in his presentations that none of us learned anything.
«راسپوتین» آن قدر در سخنرانی‌هایش پیچیده بود که هیچ یک از ما چیزی از او یاد نگرفتیم.

Abyss / ə'bis /
شکاف، ژرف، اعماق، ژرفنا
n. chasm, void
The submarine dove into the **abyss** to chart the previously unseen depths.
زیردریایی برای ترسیم اعماقی که قبلاً دیده نشده بودند در ژرفنا فرو رفت.

Academic / ækə'demɪk /
دانشگاهی، غیرعملی، نظری
adj. scholarly, theoretical, of little practical value
Our organization is concerned that much of the debate over famine relief has been entirely **academic** and has not addressed real-world issues.

سازمان ما نگران این است که بسیاری از بحث‌های ما صرفاً نظری و عملی نباشد و مسائل واقعی را مورد خطاب قرار نداده است.
www.ZabanBook.com

زبان‌بوک

«براندون»، همیشه یک لطیفه برای گفتن دارد، اما گاهی اوقات خلقتش خیلی بد و بدبین است به طوری که افراد دیگر را ناراحت می‌سازد.

Acidulous / ə'sɪdʒələs / ترش‌رو، عبوس، ملس
adj. acerbic, acetose, biting, piquant, tart, pungent

The **acidulous** taste of the spoiled milk made the young boy's lips pucker.

طعم ملس این شیر فاسد لب‌های پسر جوان را در هم کشید.

Acme / 'ækmi / اوج، قله، بی‌نهایت
n. apex, peak, summit

Just when he reached the **acme** of his power, the dictator was overthrown.

درست زمانی که دیکتاتور به اوج قدرت خود رسید سرنگون گردید.

Acumen / 'ækjūmen / فراست، زیرکی، شم
n. insightfulness

The new head of research is known for her **acumen** in developing inexpensive but effective solutions.

رهبر جدید تحقیق به خاطر فراستش در ارائه‌ی راه‌کارهای ارزان اما مؤثر معروف است.

Acute / ə'kju:t / تیز، بدانی و دقیق
adj. sharp, severe, perceptively great importance

Stewart was one of the mayor's principal **adherents** and defended him against the corruption charges.

«استوارت»، یکی از هواداران اصلی شهردار بود و از او در برابر اتهامات فساد دفاع کرد.

Adhesion / əd'hi:ʒn / وفاداری، چسبش

n. loyalty, the state of sticking to something
Becky's **adhesion** to her faith never wavered, even though she suffered greatly for it.

وفاداری «بکی» به اعتقادش هرگز متزلزل نشد، هرچند به خاطر آن خیلی رنج کشید.

Admonish / əd'mɒnɪʃ / تذکر دادن، انتقاد کردن
v. caution, reprimand

The graduation speaker **admonished** the students not to take too much time off before going to graduate school or starting their careers.

سخنران مراسم فارغ‌التحصیلی به دانشجویان تذکر داد وقت زیادی را قبل از فراغت از تحصیل از دانشکده و شروع کارشان تلف نکنند.

Adroit / ə'drɔɪt / adj. skillful زبردست، ماهر

Sharon works well in the complaints department because she is **adroit** at calming angry people.

«شارون» در دایره‌ی شکایات خوب کار می‌کند زیرا او در آرام کردن افراد عصبانی ماهر است.

The **Aesthetic** Movement regarded the pursuit of beauty to be the only true purpose of art.

جنبش زیباشناختی جستجوی زیبایی را تنها هدف واقعی هنر قلمداد می‌کرد.

Affable / 'æfəbl / دوستانه، مهربان

adj. friendly, kind, gentle

It is clear that Senator Murphy won the election because he is much more **affable** than his cranky and sour-faced opponent.

واضح و مبهرن است که سناتور «مورفی»، انتخابات را به این خاطر برد که نسبت به رقیب زودخشم و ترش‌روی خودش بسیار مهربان‌تر است.

Affected / ə'fektɪd / مصنوعی، متظاهر

adj. phony, artificial, insincere, pretentious, put-on

The **affected** hairdresser spouted French phrases, though she had never been to France.

آرایشگر متظاهر عبارات فرانسوی را با لفت و لعاب گفت هرچند هرگز به فرانسه نرفته بود.

Affinity / ə'fɪnəti / وجه اشتراک، همبستگی، شباهت

n. attraction, similarity

We have always felt an **affinity** for others who drive convertibles in the rain.

ما همیشه با آن دسته از افراد که در باران با اتومبیل‌های کروکی رانندگی می‌کنند، وجه اشتراک داریم.

1100 Words for the G

Affluent / 'æfluənt /
adj. wealthy, abundant, flowing free
Stephen and his wife have tried
their humble origins by moving
affluent neighborhood.

Affront / ə'frʌnt /
v. insult openly
The graffiti artist intended
an ironic commentary
managed to **affront** it
was trying to empower
آنها را تحقیر بسیاری از

Aggrandize / ə'grændaɪz /
v. amplify, apo
elevate
The superv
himself by r
of his staff
تستاوردهای

Aggre
adj. Ga
total amount

Adulate / 'ædjuleɪt /
v. praise excessively
Mel was quick to **adulate** his
friend Mr. Pipkin.

Adulterate / ə'dʌltəreɪt /
v. debase, doctor, load
The restaurateur had
longer by **adulterating**

Advocate / 'ædvəkaɪt /
v. back, champir
The vegetarian
no meat.

Aerie / 'æəri /
n. perch,
Perched
aerie w

Aes
ad.

This artist has such
detail that some
paintings for photog

Adaptation / ˌædæptə'teɪʃən /
n. change for a
Native Ameri
have underg
years as mo
way into the

Adhere
v. stick
suppe
Joey,
the
clot

Acerbic
adj. so
bitter
Brar
sor

Accelerate / ək'seləreɪt /
v. speed up
The leader of the parade
accelerated and the rest of us
keep up.

Accolade / 'ækələdeɪ /
n. praise
The honoree was sl
accolades.

Accretion / ə'kri:ʃən /
n. growth, incre
The committ
efforts resu
scholarship

Acerbic
adj. so
bitter
Brar
sor

1100 Words for th

Abate / ə'beɪt /
v. ebb, let up,
wane
As the hurrica
dropped and

Abdicat
v. cede, r
palace,
fled.

Ab
ad

Accelerate / ək'seləreɪt /
v. speed up
The leader of the parade
accelerated and the rest of us
keep up.

Accolade / 'ækələdeɪ /
n. praise
The honoree was sl
accolades.

Accretion / ə'kri:ʃən /
n. growth, incre
The committ
efforts resu
scholarship

Abate / ə'beɪt /
v. ebb, let up,
wane
As the hurrica
dropped and

Abdicat
v. cede, r
palace,
fled.

Ab
ad

Abandon / ə'bændən /
v. leave secr
After **absc**
the thief w

Abstain / əb'steɪn /
v. forbee
Before
abstain

Abste
adj. sobe
Bec
onl
Te

Ab
ad

Abase / ə'beɪs /
v. humble, disgrace,
My intention was not

Abate / ə'beɪt /
v. ebb, let up,
wane
As the hurrica
dropped and

Abdicat
v. cede, r
palace,
fled.

Ab
ad